

باشهین فروغی، بانویی که به تنهایی اقتصاد روستایش را رونق بخشیده
آن هم در روزهایی که جوانان روستا برای یافتن کار آنجا را ترک کرده اند

ارثیه مادری



نظر نرسد، اما علاوه بر این که هر کاری سختی های خاص خودش را دارد، فکر اقتصادی داشتن هم ریشه در جوهر وجودی هر فرد دارد. خانم فروغی در يك خانواده با این نوع تفکر بزرگ شده و سعی کرده این روحیه را همچنان حفظ کند.

«پدرم باغات بزرگ انگور، سیب و آلو داشت، هر سال فصل برداشت که می شد، مادرم، زنان و دختران روستا را خبر می کرد. روستاییان به عنوان دستمزد چیدن و درست کردن شیر و سرکه انگور یا سرکه سیب، هر روز يك جعبه انگور یا از میوه های دیگر باغ به همراه ده ریال می گرفتند. همچنین مادرم بنیانگذار فرش بافی در قلمبوان بود. خوب یادم هست پدرم يك استاد از شهر مبارکه آورد تا هم قالی بافی را به مادرم آموزش بدهد و هم دو دار قالی بزرگ برایش علم کند. مادرم هم فرش بافی را به دخترکان روستا یاد داد و هم برای زنان و دختران کار جدیدی راه اندازی کرد.

در همه این امور من و خواهرانم هم حضور داشتیم و کار می کردیم. اول تابستان هر سال بعد از این که کارنامه می گرفتیم يك دار قالی گوشه خانه انتظارمان را می کشید که با خواهرها و دخترعموهای بافتیمش. علاوه بر همه اینها روزها با دخترها و پسرهای فامیل در باغ می گشتیم و تخم شوید و خاکشیرهایی را که سبز شده بود می چیدیم و پدرم اینها را شب به شب از ما خریداری می کرد.»

چراغ خانه های قلمبوان همه خاموش است، اما چراغ يك کارگاه هنوز می سوزد. زنی درون کارگاه پای پاتیل ایستاده و بدون خستگی در حال هم زدن محتویات درون دیگ است. داستان از ۱۵۰ سال پیش آغاز شد. زمانی که دم عید مردم دسته به دسته، کاسه به دسته مقابل خانه شهربانو صف می کشیدند تا او برای سفره عیدشان «حلوا سوهان» بپزد. شهربانو که از دنیا می رود هنرش سینه به سینه و دست به دست می رسد به یکی از نوادگان دختری اش به نام «شهین فروغی».

خانم فروغی ۶۰ سال دارد، سال ۱۳۵۴ دیپلم علوم طبیعی می گیرد و با این که تمام خانواده اش فرهنگی هستند، او بین زندگی بدون درس کارمندی و کارآفرینی، کارآفرینی و تلاش شبانه روزی برای سرپا نگه داشتن کارگاهش را انتخاب می کند. خانم فروغی سال های زیادی را به تولید حلوا سوهان پرداخته است.

روزانه ۱۲ ساعت ایستادن پای پاتیل، تنها گوشه ای از زحمت هایی است که او برای تزریق جان تازه در گهای اقتصاد روستایش کشیده است. داستان زندگی این بانوی پر تلاش را از زبان خودش بخوانید.

❁ در يك خانواده فرهنگی بزرگ شده ام

خانم فروغی دوران تحصیل را خیلی سخت گذرانده، اما علاقه اش به علم که ریشه در خانواده اش دارد او را به سمت ادامه تحصیل و تحمل سختی ها می کشاند. «پدرم متصدی پست روستا بود و با این که خودش شش کلاس سواد داشت اما خیلی به تحصیل ما اهمیت می داد. روستای قلمبوان فقط مدرسه ابتدایی داشت به همین خاطر پدر يك خانه در اصفهان خریده بود تا خواهرانم برای ادامه تحصیل با مشکل مواجه نشوند.

مادرم هر سال مهر همراه ما به اصفهان می آمد و پدرم سختی تنها زندگی کردن را به خاطر ما تحمل می کرد. وقتی خواهرانم دیپلم گرفتند، چهار ماه بعد از آن استخدام آموزش و پرورش

شدند و حالا حدود ۲۰ سال است که بازنشسته شده اند. وقتی ۱۲ ساله بودم مادرم در ۴۲ سالگی به دلیل بیماری از دنیا رفت، به همین دلیل هم، من مجبور شدم برای ادامه تحصیل به شهر بروجن بروم و مدتی در کنار برادر بزرگ ترم زندگی کنم. ۱۷ سالگی ازدواج کردم و سال ۵۴ دیپلم رشته طبیعی را گرفتم، همه افراد خانواده ام فرهنگی بودند خیلی راحت می توانستم استخدام آموزش و پرورش بشوم، اما چون کسی را نداشتم که دختر کوچکم را به او بسپارم، از کار در بیرون خانه صرف نظر کردم.»

❁ آفریدن راز مادرم یاد گرفته ام

شاید دست و پا کردن يك شغل خانگی چندان سخت به

الهام فیروزبخت

روزنامه نگار

نمایه:

- نام: شهین فروغی
- سال تولد: ۱۳۳۸
- محل زندگی: روستای قلمبوان
- تحصیلات: دیپلم

عکس هایی از کارگاه شهین فروغی

يك شیرینی دلچسب

وقتی می خواستم تولید را شروع کنم، این کار مخالفان و موافقانی زیادی در خانواده و اطرافیانم داشت. خیلی ها، از جمله مسوولان اداره غذا و دارو می گفتند هزینه ای که برای خرید دستگاه و تاسیس کارگاه و ثبت قرار است بپردازید زیاد است، این هزینه قرار است از چه طریقی به شما برگردد؟ آیا فکر مشتری ها را کرده اید؟ من اما مشتری های ثابت فراوانی داشتم و می دانستم، شیرینی دلچسب و کیفیت محصولات کم کم مشتری ها را جذب می کند. درست هم پیش بینی کرده بودم، حلوا سوهان خیلی زود در دل مردم جا باز کرد.



خانم فروغی کارش را با حلوا سوهان شروع کرد و کم کم آن را گسترش داد

اگر بخواید قیمت محصولات را هم بدانید سرکه لیتری ۸۰۰۰ تومان و شیره انگور کیلویی ۱۶ هزار تومان است